

مجله فرهنگ پایداری

حسین قربانی

سال دفاع مقدس نیست. جنگ، خود یک مقوله استراتژیک است اما این طور نیست که هر نشریه و تحقیقی و مطالعه‌ای راجع به جنگ لزوماً باید بررسی راهبردی و تئوریک باشد. مطالعه تئوریک مخاطبان خود را دارد و مطالعه فرهنگی و هنری هم مخاطبان خود را و اگر ما می‌خواهیم با مخاطب متوسط و مردم ارتباط خود را حفظ کنیم و فرهنگ دفاع مقدس را زنده نگه داریم چاره‌ای از نشر چنین مجلاتی نیست. در صورت تبدیل فرهنگ پایداری به یک نشریه تئوریک در شرایطی که جایگزین‌های مناسبی هم برای آن موجود نیست، همین مخاطبان محدود هم از دست خواهند رفت. در حالی که معلوم نیست برای یک نشریه جدید با صبغه تئوریک چه میزان بتوان مخاطب دست و پا کرد، ضمن اینکه انتشار چنین نشریه‌ای با توجه به محدودیت نویسنده و خاصیت آن رویکرد بسیار دشوار است. متأسفانه مجلاتی مانند فرهنگ پایداری که به مقوله فرهنگ و هنر دفاع مقدس به طور حرفه‌ای پردازند کمیاب یا احتمالاً نایاب هستند. متأسفانه مجلات ضعیف و سبکی هستند که به همت نهادهای نظامی و غیرنظامی منتشر می‌شوند و هیچ ذوقی در مخاطب بر نمی‌انگیزند و با ظاهر و محتوای عبوس و غیر حرفه‌ای خود نسل جدید را از دفاع مقدس بیزار می‌کنند. لذا وجود و ادامه فعالیت مجله فرهنگ پایداری هر چند

مجله فرهنگ پایداری تلاش کرده است در حوزه‌های فرهنگ، هنر و ادبیات مرتبط با دفاع مقدس به انعکاس فعالیت‌ها و تحولات پردازد و کارهای انجام شده را بررسی کند. البته در کنار رویکرد اصلی یعنی فرهنگ، موضوعات سیاسی و بین‌المللی نیز بررسی شده‌اند. مجموعاً مطالب متنوع و پرباری در این مجله منعکس شده است که نیاز به ارائه آنها در جامعه احساس می‌شود. غیر از فرهنگ پایداری و سابقاً کمان اغلب نشریاتی که در تهران یا شهرستان‌ها در زمینه دفاع مقدس منتشر می‌شوند از محتوای حرفه‌ای برخوردار نبوده و اغلب سطحی هستند.

البته نشریاتی مانند نگین که بارویکرد تئوریک منتشر می‌شوند مشمول این قضاوت نیستند. بررسی و انعکاس تحولات و فعالیت‌های سینما، تئاتر، موسیقی، داستان و... مربوط به دفاع مقدس امر لازمی است که به عقیده اینجانب مجله فرهنگ پایداری در حد شایسته‌ای توانسته است از پس این وظیفه برآید. این نوع فعالیت چیزی است که در کشورهای دیگر بسیار بدان بهای می‌دهند. از جمله در اروپا، کشورهایی که تنها چندماه درگیر نبرد در جنگ جهانی دوم بوده‌اند هنوز پس از گذشت نیم قرن آن نبردها را در قالب‌های هنری تبدیل به حماسه می‌کنند و به آن افتخار می‌کنند. لذا جای صحبت از وظایف مادر قبال هشت

در اروپا، کشورهایی که تنها چندماه درگیر نبرد در جنگ جهانی دوم بوده‌اند هنوز پس از گذشت نیم قرن آن نبردها را در قالب‌های هنری تبدیل به حماسه می‌کنند و به آن افتخار می‌کنند.

انقلابی در نمادهایی از احساس و عاطفه تبلور یافته است و شاید قدری تلطیف شده است. به عنوان مثال سلسله مقالاتی که آقای منصوری لاریجانی در تبیین دفاع مقدس، بسیج، حفظ آمادگی، تلاش‌های فرهنگی و... نوشته نه واجد استدلال عقلانی مسئله و اقناع مخاطب است و نه با بهره‌گیری از عناصر زیبایی‌شناختی، تحریک‌کننده عواطف و احساسات ملی و میهنی است، بلکه نوشتاری خشک و سردرگم است که معلوم نیست با چه هدفی نوشته شده است. سرمقاله‌های آقای ترکی و سپس زائری اساساً فاقد توان ارتباط با مخاطب است و کمکی به کار ویژه مجله نمی‌کند. در یکی از پیش‌شماره‌ها با آقای سعید حدادیان گفت‌وگو شده است. در این گفت‌وگو از ادبیاتی لمپنیستی استفاده شده که به اعتقاد این جانب بسیار ناشایست است و متضمن وهن جامعه مداحان، مجله و مخاطب است.

خلاً دیگری که در این مجله به نظر می‌آید پاسخ ندادن به پرسش‌های موجود میان مردم در ارتباط با ابهامات جنگ است. به نظر می‌رسد یکی از رسالت‌های این مجله همین موضوع باشد اما هیچ تلاشی در این باره به عمل نیامده و صرفاً تحریریه

اشکالاتی بر آن وارد باشد مغتنم است و باید تقویت گردد. به اعتقاد بنده انتشار این مجله یکی از معدود کارهای ارزشمند بنیاد حفظ آثار است.

در بررسی بیست شماره فرهنگ پایداری یک اشکال عمده به نظر حقیر آمد و چند اشکال جزئی. اشکال عمده این بود که مجله فاقد یک مانیفست و هدف کلان است. این مانیفست به طور منطقی بایستی در اولین شماره یا آغاز دوره جدید اعلام و بحث می‌شد تا عملکرد مجله را بر اساس آن بتوان قضاوت کرد. در پیش شماره اول سردبیر در سرمقاله‌اش ادعاهای نامناسبی را مطرح کرده است. از جمله طوری صحبت کرده که گویی تا قبل از انتشار مجله هیچ تحقیقی و مطالعه‌ای در زمینه دفاع مقدس نشده و آن همه زحمات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ و دیگران به هیچ گرفته شده است. این در حالی است که اساساً رسالت مجله فرهنگ پایداری کار مطالعاتی نبوده است و این امر در عهده نهادهای دیگر بوده و هست، از جمله بخش‌هایی از بنیاد حفظ آثار. در بررسی محتوای بیست شماره فرهنگ پایداری به نظر می‌رسد عنصر احساس و عاطفه بر عنصر عقلانیت غلبه دارد. البته در نشریه‌ای که بنیاد حفظ آثار منتشر می‌کند به طور طبیعی ایدئولوژی انقلابی حاکمیت و نفوذ دارد اما چون این مجله رویکرد فرهنگی و هنری دارد ایدئولوژی

تصورات خود از دفاع مقدس را به خواننده عرضه کرده است. با اینکه در برخی بخش‌های دیگر مانند سینمای جنگ جهان، بخش پژوهش و بررسی تجربه‌های خارجی ضعف به چشم می‌خورد و نیاز به تقویت احساس می‌شود، در عین حال در بخش‌های سینمای جنگی، شعر، تئاتر، ادبیات مقاومت و خاطره، قوی عمل کرده و در خور تحسین است. طراحی و صفحه‌آرایی آن بسیار زیبا و هنرمندانه انجام شده است.

آخرین مطلبی که در ارتباط با ارزیابی اجمالی مجله فرهنگ پایداری لازم به ذکر می‌دانم این است که اساساً آنچه در دنیا مرسوم است قالب فصلنامه برای مطالب تئوریک مناسب است و این در حالی است که قسمت قابل توجهی از مطالب فرهنگ پایداری برای ماهنامه و هفته‌نامه مناسب‌تر هستند. لذا شاید با یک تجدید نظر و مثلاً ترکیب چند نشریه مانند خط و غیره بتوان مکان درج مطالب را تغییر داده و شرایط حرفه‌ای تری فراهم گردد.